

کار کودک از جمله آن مسائل است که همیشه تا وقتی که از بین نرود قابل گفتن، نوشتن و بحث کردن است. اختصاص روزی (۱۲ ژوئن) به روز اکسیون علیه کار کودک در کنه خود مثل سایر روزهای تعیین شده جهانی مثل روز زندانیان سیاسی، روز نه به جنگ و غیره، نه تنها راه واقعی رهایی و از بین بردن مشکلاتی که تنگاتنگ با سیستم اقتصادی اجتماعی حاکم در جهان یعنی با شیوهی تولید سرمایه داری در پیوند هستند نیست بلکه بر توهم توده ها این گونه دامن می زند که می شود با کمپین ها و یاد روزها بر مشکلات فائق آمد. در سرمایه داری این طور وانمود می کنند که مزد کارگر حاصل یک معامله ی برابر بین خریدار نیروی کار و فروشنده ی کالای نیروی کار است. کارگر می تواند نیروی کارش را به هر کس که دوست داشته باشد بفروشد. اما واقع امر کارگر چاره ای جز فروش نیروی کار خود ندارد زیرا تنها کالایی است که برای فروش دارد و در تعیین دست مزد هم دخالتی ندارد و تحت شرایط بازار کار، وجود ارتش بیکاران، رقابت بین کارگران، وجود نیروی کار ارزان تر مثل کار زنان و کودکان، مجبور به پذیرش آن می شود ولی "چون صاحب نیروی کار میرنده است و...، نیروهای کاری که در نتیجه ی فرسودگی و مرگ از بازار بیرون کشیده می شوند همواره بایست با تعداد لااقل برابری از نیروهای جدید کار جبران گردند. بنابراین مجموعه ی وسایل معیشتی که برای تولید نیروی کار ضرور است شامل وسایل زندگی جانشینان آن یعنی اولاد کارگران نیز می شود تا بدین طریق این نژاد کالا داران ویژه در بازار جاویدان بماند" کاپیتال جلد اول، خرید و فروش نیروی کار.

اما در عمل این دست مزد آن قدر پایین است که برای رسیدن به این ویژگی باید آن را بین کارگر، همسر و فرزند تقسیم کنند تا قادر به تامین حداقل زندگی شود یعنی همراه کارگر باید زن و بچه هم کار کنند یعنی سه نفر برای یک دستمزد استثمار شوند بنابراین با نیات خوب و انسانی فعالین یا تقاضا از دولت ها مشکل قابل حل نیست بلکه باید به سمت براندازی سیستم سرمایه داری رفت تا کارگر بودن برافتد و کار نه برای استثمار کارگر بلکه به یک وظیفه اجتماعی تبدیل شود تا هرکس به اندازه توانش در فعالیتی که دوست دارد در اداره جامعه و تامین نیازهای خود و جامعه مشارکت کند.

بنا بر آمار ارائه شده توسط یونیسف، ۱۹۰ میلیون کودک بین ۵ تا ۱۴ ساله در جهان کار می کنند. بیشتر این تعداد در آسیا، سیفیک و آفریقا زندگی می کنند اما در کشورهای پیشرفته صنعتی از اروپا تا آمریکا هم وجود دارند. اکثریت کودکان در بخش کشاورزی مشغول به کارند. توزیع کودکان کار در بخش های مختلف شامل ۷۰٪ در بخش کشاورزی، ۲۰٪ در بخش خدمات و صنعت و ۱۰٪ در بخش معدن می باشد. حداقل ۱۰٪ شاغلین در بخش توریسم کودک اند که یک میلیون از آن ها توسط توریسم سکس مورد استثمار قرار می گیرند. مهم ترین دلیل کار کودک، فقر والدین است که یا بیکارند، یا دستمزدهای شان آن قدر ناچیز است که کفاف مخارج خانواده را نمی دهد. اکثریت کودکان کار در بخش کشاورزی توسط والدین مجبور به کار فامیلی می شوند این مساله حتی در آمارهای رسمی کشورها هم بدون شرم و خجالت وارد شده است به طور مثال در آمارهای مرکز آمار ایران که ستونی به نام کار فامیلی در جداول کار وجود دارد. خارج از خانواده کار کودک، به عنوان کارگران فوق العاده ارزان مورد توجه کارفرماهاست زیرا با دستمزد یک کارگر بزرگ سال می شود چندین کودک را به کار گرفت و به اندازه چندین نفر ارزش اضافی تولید و به سرمایه تبدیل کرد. کار بردگی هم وجود دارد که در آن معمولا کودکان در ازای بازپرداخت قروض خانواده به مدت نامعلوم یا طولانی به بردگی داده می شوند. در مساله کودک همسری این مورد بازتاب بالایی دارد و معمولا دخترکان به دلیل فقر، بدهی یا حتی تامین مواد مخدر والدین به افراد بزرگسال و حتی مسن فروخته می شوند. کودک سرباز نوع دیگری از کار کودکان است که تازه ترین آن اسخدام کودک سرباز توسط طالبان به طور رسمی از طرف یک دولت است. این نوع کار در آفریقا بین گروه های شورشی و هم دولتی و در آمریکای لاتین امری معمول بوده است و گذشته از سرباز بودن سوء استفاده جنسی از آن ها هم امری رایج بوده است. معمولا آمار رسمی در باره ی کار کودک، تعداد آن ها، نوع فعالیت شان در کشورها وجود ندارد. آمریکا از جمله این کشورهاست. اما هزاران کودک به ویژه هیسپانیش یا کودکانی از بومیان همین قاره، در شرایطی ناگوار و بسیار بد در بخش کشاورزی همراه والدین یا تنها در مزارع عظیم آمریکا کار می کنند. معمولا در فصل برداشت محصول این کودکان روزانه تا ۱۴ ساعت در روز مجبور به کار هستند و به همین دلیل مجبور به ترک مدرسه می شوند و علاوه بر این در مزارع به طور مستقیم در ارتباط با سم پستیسید و مواد شیمیایی بکار رفته برای محصولات قرار می گیرند که بر سلامت شان تاثیر می گذارد. بخشی از کودکان ۱۷ ساله به عنوان کودک سرباز در خدمت ارتش آمریکا قرار می گیرند. مضاف بر این موارد ایالات متحده یکی از کشورهایی است که مقصد تجارت انسان از آمریکای مرکزی و آسیا جهت استثمار جنسی و کار اجباری به عنوان ("بردگان خانگی") است. کار کودک در آلمان تا ۱۴ سالگی به طور قانونی ممنوع است اما از ۱۵ سالگی اجازه هست که در

کنار تحصیل در آخر هفته کار کنند اما باید بین دو شیفت کاری ۱۲ ساعت فاصله باشد. به طور استثنای کودکان از ۱۳ سالگی در درروستاها می توانند روزانه دو ساعت در کار فامیلی شرکت کنند. کودکان از ۱۴ سالگی حق دارند در تعطیلات مدرسه یک ماه کار کنند. معمولاً این کودکان از خانواده های با درآمد پایین یا کم درآمد یا بیکار هستند و پول توجیبی اندک شان نیازهای شان را بر نمی آورد در نتیجه کار می کنند تا پول بیشتری در جیب داشته باشند و هدف کار کردن کمک به مخارج خانواده نیست گرچه در واقع هست یعنی نیاز کودک باید توسط خانواده برآورده شود یا دولت آن را تامین کند. تعطیلات آخر هفته و تابستان برای استراحت، تامین نیرو، و آمادگی برای وظایف درسی سخت تر است اما این امر نادیده گرفته می شود زیرا مختص خانواده های کم درآمد، فقیر و بیکار است نه مرفهین جامعه.

در هندوستان به عنوان کشوری که بالاترین رشد اقتصادی جهان را دارد، ۳۰۰ میلیون انسان کارگر بزرگسال با دست مزد روزانه کم تر از ۲ دلار کار می کنند و به همین سبب تنها قادر به تامین یک وعده غذای روزانه برای خانواده هستند به همین دلیل مجبور می شوند کودکان خود را به جای کودکی کردن و رفتن به مدرسه به کار بفرستند. یکی از هر ۵ کودک بین ۶ تا ۱۴ سال یعنی ۲۰٪ کودکان به دلیل فقر خانواده مجبور به کارند و به مدرسه نمی روند. در مجموع نزدیک به ۱۳ میلیون کودک در کارهای سخت و خطرناک و اغلب تا ۱۶ ساعت در روز مجبور به کار کردن هستند. ۶۹٪ این کودکان در بخش کشاورزی بویژه کشت پنبه مشغول به کارند. با انگشت های کوچک خود غوزه های شکفته پنبه را می چینند و در کیسه های بزرگ جمع می کنند سپس این بار سنگین را بدوش می کشند تا به جایی ببرند که برای دست مزد وزن شود. کودکان بدون داشتن لباس کار محافظ که بعلت کوچکی در میان انبوه ساقه و شاخه های گیاه کتان گم شده اند، به سم پستیسید که بدون رعایت مقررات مصرف می شود آلوده می شوند، به بیماری های شدید تنفسی و پوستی دچار می شوند و در بسیاری از موارد جانشان را از دست می دهند. ۱۶٪ کودکان کار در بافت فرش، تولید وسایل آتش بازی و سیگار، ۱۲٪ در هتل ها و رستوران ها و توریسم مشغول به کارند. دختران کم سن و سالی که در این بخش کار می کنند مورد خشونت جسمی و سوء استفاده جنسی قرار می گیرند، گرچه از نظر قانون کار کودکان کم تر از ۱۴ سال در این بخش ممنوع است اما مراقبتی در رعایت آن انجام نمی گیرد زیرا در صورت مراقبت دولت باید مسئولیت تامین زندگی کودکان را بعهده بگیرد.

در ایران تا اوایل دهه هشتاد وجود کودک کار را انکار می کردند اما بعد چنان گسترده و چشمگیر شد که نمی شد انکارش کرد. از اواخر این دهه وجود کودکان کار را پذیرفتند اما آن را به فروشنده گی در خیابان تقلیل دادند و مدعی شدند که این کودکان اکثریت قریب به اتفاق شان کودکان افغانستانی

هستند. گویی با تعیین ملیت کودکان مساله حل و قابل چشم پوشی بود و وظیفه ای برای شان ایجاد نمی کرد. در سال ۹۶ وزارت کار از ۵۰۰ هزار کودک کار خبر داد و آن ها را به سه دسته تقسیم کرد. کودکانی که در کارگاه ها کار می کنند. کودکان زباله گرد و کودکان فروشنده در خیابان ها. امروزه از سه تا هفت میلیون کودک کار صحبت می شود. دلیل عمده برای کار کودکان فقر خانواده است. وقتی ۸۰٪ مردم در یا زیر خط فقر قرار دارند، یا با بیکارسازی های انبوه مواجه اند، یا با دو شیفت کاری هم نمی توانند مخارج خانه را با توجه به تورم و قیمت های دائما در حال افزایش کالاهای اساسی تامین کنند، پس راهی نمی ماند که کودکان ترک تحصیل نمایند و مشغول کار شوند. در سال ۱۴۰۰ بنا به صحبت های آقای کاظمی سرپرست آموزش و پرورش ایران تعداد ۹۷۰/۰۰۰ دانش آموز ترک تحصیل کرده اند که ۲۱۰ هزار نفرشان دانش آموز پایه ابتدایی بوده اند و مسلم است که بخشی از آن ها به کودکان کار پیوسته اند.

افغانستان: طالبان: از زمان روی کار آمدن طالبان در افغانستان یک میلیون کودک به دلیل فقر والدین در مزارع کشاورزی مشغول به کار شده اند. در حالی که مواد غذایی در بازار به اندازه کافی وجود دارد، بخش بزرگی از جمعیت پولی برای خرید آن ندارند و بیشتر این خانواده ها تنها یک وعده غذا در ۲۴ ساعت می خورند. طبق یک تحقیق پرسشنامه ای ۳۴/۸٪ خانوارهای افغانستانی کل و ۲۶/۶٪ نصف درآمد ماهانه خود را از دست داده اند. ۷۵٪ آن ها مجبور به گدایی شده اند. ۳۶٪ تسویه خرید می کنند و ۱۸٪ مجبور شده اند کودکان خود را برای کار بفرستند.

آفریقا: غنا: در این کشور آفریقایی ۲۰٪ کودکان ۵ تا ۱۷ ساله در مزارع تولید کاکائو کار می کنند. ۳۲٪ کودکان مجبور به انجام کارهای سخت هستند و در حین کار با مواد شیمیایی کشاورزی در تماس قرار می گیرند. در سال کشاورزی ۲۰۱۸-۲۰۱۹ در فصل کاشت کاکائو ۷۷۰/۰۰۰ کودک در مزارع آن کار می کردند. بخش بزرگی از آن ها در ۸۰۰/۰۰۰ خانواده دهقانی کوچک مشغول به کارند. کاری سخت که اغلب سبب زخمی شدن آن ها در استفاده از قمه یا مسمومیت و بیماری در ارتباط با سم پستیسید، یا سقوط از درختان یا مسمومیت یا مرگ توسط نیش مارها و عتکبوت های سمی می شود. در سال ۲۰۲۲ گزارشی پخش شد که می گفت در مزارع کاکائو مناسبات بردگی برای کودکان کار وجود دارد. کودکانی از بخش خشک و فقیر شمال غنا برای کار در مزارع به جنوب آورده می شوند. پول اندکی به والدین فقیر آن ها داده می شود و کودکان مجبورند در هر شرایطی که بود کار کنند و تنها اندک غذایی برای زنده ماندن جهت ادامه استثمار به آن ها داده می شود.

در بعضی از مناطق مدرسه وجود ندارد یا دچار کمبود است یا مدرسه منطقه در فاصله ای دور قرار دارد و همین سبب می شود که کودکان به جای مدرسه برای کار فرستاده شوند اما این جا هم فاکتور مهم

فقر خانواده است که نمی تواند امکان فرستادن بچه به مدرسه را فراهم سازد در ضمنی که اگر کار کودکان نباشد درآمد این خانواده ها از نصف هم پایین تر می رود. دلیل دیگر هم پایین افتادن قیمت کاکائو در بازار جهانی به نصف است که فشار بسیاری بر دهقانان کوچک وارد آورده است. میلیون ها دهقان کوچک در جهان از جمله غنا که مواد اولیه را برای تولید شکلات کشت می کنند در مقابل کنسرن هایی که در زمینه تجارت، تبدیل و تولید شکلات از کاکائو کار می کنند تنها درصد کوچکی از درآمد حاصل از شکلات را دریافت می کنند و برای این کنسرن مساله ای نیست که آیا تولید کنندگان کوچک کاکائو با این درآمد اندک می توانند غذای روزانه، لباس، حمل و نقل، ارتباطات، آموزش و بهداشت خانواده را تامین کنند یا نه. در غنا قوانین بسیاری در رابطه با حمایت از کودکان وضع و برای تخطی از آن جریمه تعیین شده است ولی خانواده های فقیر آن را دور می زنند و کار کودک به صورت مخفی در آمده است زیرا فقر و قانون در دو جهت معکوس قرار دارند و با بهترین قانون بدون توزیع عادلانه ی ثروت اجتماعی و تهیه امکانات، فقر تکثیر می شود و بر دامنه ی تعداد فقرا افزوده می شود. این را در دنیای سرمایه داری لحظه به لحظه شاهدیم: بالا رفتن کار کودکان در سطح جهان، بالا رفتن خطر گرسنگی، تجارت انسان به ویژه کودکان و زنان و ... ، حاصل مناسبات جهانی سرمایه داری است و با ادامه آن بدتر و بدتر خواهد شد.

